

Autumn and Winter 2025, 2 (4), 107-122.

The role of the Shabsavan clan in the First Iran-Russia War

Hamidreza Farzollahi¹  | Mirsamad Mousavi² 

1. Corresponding Author, Master of Arts in History, Faculty of Social Sciences, University of Mohaghegh Ardabili, ARDABIL, IRAN. E-mail: hamidrezafarzollahi@gmail.com
 2. Assistant Professor, Department of History, Payam Noor University, ARDABIL, IRAN. E-mail: m.mosavi@pnu.ac.ir

Article Info	ABSTRACT
Article type: Research Article history: Received: 31 May 2025 Accepted: 7 August 2025 Published online: 6 March 2026 Keywords: Shabsavan tribe, Iran-Russia war, Border tribes, Qajar period, Tribal structure.	The First Iran-Russia War (1218–1228 AH/1804–1813 CE) is one of the most important events in the political and military history of Iran during the Qajar era, the consequences of which, beyond the direct confrontation between the two states, profoundly affected the social, economic, and political structures of the border regions. In the meantime, the Shabsavan tribe, as one of the most important border tribes in northwest Iran, played a multidimensional and decisive role. This research, with an analytical and historical approach, examines the contexts for the formation of the role of the Shabsavan tribe and explains its military, political, social, and economic functions during the First Iran-Russia War. The research findings show that the coherent social structure, the economy based on animal husbandry and seasonal migration, accurate geographical knowledge, and historical experience in confronting foreign threats turned the Shabsavan into an efficient force in local defense and logistical support. At the same time, the active participation of this tribe in the war had important consequences such as weakening the economic foundations, decreasing the active population, increasing dependence on the central government, and redefining the political position of the tribal leaders. Although these developments strengthened the security and political role of the Shabsavan in the short term, in the long term they led to changes in the power relations between the state and the tribes and reduced the independence of the tribal structure. The main question of the research is how the First Iran-Russia War redefined the military, political, and social position of the Shabsavan tribe, and what long-term consequences did this redefinition have for the tribal structure and its relations with the Qajar government?

Cite this article: Farzollahi, Hamidreza, Mousavi, Mirsamad, Second. (2025). The role of the Shabsavan clan in the First Iran-Russia War. *New Researches in the Studies of the History of Islam and Iran*, 2 (4), 107-122.



© The Author(s).

Publisher: Lorestan University.

DOI: <http://doi.org/10.22034/nrihs.2025.2076048.1066>

سال دوم، شماره دوم (پیاپی ۴)، پاییز و زمستان ۱۴۰۴، ۱۰۷-۱۲۲.

نقش ایل شاهسون در جنگ اول ایران و روسیه

حمیدرضا فرض اللهی^۱ | میرصمد موسوی^۲

۱. کارشناسی ارشد تاریخ، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران. رایانامه: hamidrezafarzolah@gmail.com

۲. استادیار گروه تاریخ، دانشگاه پیام نور، اردبیل، ایران. رایانامه: m.mosavi@pnu.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: ترویجی	جنگ اول ایران و روسیه (۱۲۱۸-۱۲۲۸ ق/ ۱۸۰۴-۱۸۱۳ م) یکی از مهم‌ترین رخدادهای تاریخ سیاسی و نظامی ایران عصر قاجار است که پیامدهای آن فراتر از تقابل مستقیم دو دولت، ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مناطق مرزی را به طور عمیق تحت تأثیر قرار داد. در این میان، ایل شاهسون به عنوان یکی از مهم‌ترین ایلات مرزنشین شمال غرب ایران، نقشی چند بعدی و تعیین کننده ایفا کرد. این پژوهش با رویکردی تحلیلی و تاریخی، به بررسی زمینه‌های شکل‌گیری نقش ایل شاهسون و تبیین کارکردهای نظامی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آن در جریان جنگ اول ایران و روسیه می‌پردازد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که ساختار اجتماعی منسجم، اقتصاد مبتنی بر دامداری و کوچ فصلی، شناخت دقیق جغرافیایی و تجربه تاریخی مواجهه با تهدیدات خارجی، شاهسون‌ها را به نیرویی کارآمد در دفاع محلی و پشتیبانی لجستیکی تبدیل کرد. در عین حال، مشارکت فعال این ایل در جنگ، پیامدهای مهمی چون تضعیف بنیان‌های اقتصادی، کاهش جمعیت فعال، افزایش وابستگی به دولت مرکزی و بازتعریف جایگاه سیاسی سران ایل را به دنبال داشت. این تحولات، اگرچه در کوتاه مدت موجب تقویت نقش امنیتی و سیاسی شاهسون‌ها شد، اما در بلندمدت به تغییر مناسبات قدرت میان دولت و ایلات و کاهش استقلال ساختار ایلی انجامید. پرسش اصلی پژوهش آن است که جنگ اول ایران و روسیه چگونه جایگاه نظامی، سیاسی و اجتماعی ایل شاهسون را بازتعریف کرد و این بازتعریف چه پیامدهای بلندمدتی برای ساختار ایلی و روابط آن با دولت قاجار به همراه داشت؟
تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۱۰	
پذیرش نهایی: ۱۴۰۴/۰۵/۱۶	
تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۲/۱۵	
کلیدواژه‌ها:	
ایل شاهسون، جنگ ایران و روسیه، ایلات مرزی، دوره قاجار، ساختار ایلی.	

استناد: فرض اللهی، حمیدرضا، موسوی، میرصمد (۱۴۰۴). نقش ایل شاهسون در جنگ اول ایران و روسیه. پژوهش‌های نوین در مطالعات تاریخ اسلام و ایران، سال دوم، شماره ۲ (۴)، ۱۰۷-۱۲۲.



© نویسنده‌گان.

ناشر: دانشگاه لرستان.

DOI: <http://doi.org/10.22034/nrihs.2025.2076048.1066>

۱. مقدمه

جنگ اول ایران و روسیه (۱۲۲۸-۱۲۱۸ق/ ۱۸۰۴-۱۸۱۳م) یکی از نقاط عطف تعیین‌کننده در تاریخ سیاسی، نظامی و اجتماعی ایران عصر قاجار به‌شمار می‌آید. این جنگ نه تنها آغازگر دوره‌ای از رویارویی‌های مستقیم ایران با قدرت‌های مدرن اروپایی بود، بلکه پیامدهای عمیق و چندلایه‌ای بر ساختارهای حکمرانی، امنیتی و اجتماعی کشور، به‌ویژه در مناطق مرزی برجای گذاشت. شمال غرب ایران به دلیل موقعیت ژئوپلیتیکی، همجواری با قفقاز و قرار گرفتن در مسیر گسترش نفوذ روسیه تزاری، به یکی از اصلی‌ترین کانون‌های درگیری تبدیل شد. در این بستر، نقش نیروهای محلی و ایلات مرزنشین در کنار دولت مرکزی اهمیتی دوچندان یافت؛ نقشی که در بسیاری از روایت‌های تاریخی، یا به‌طور حاشیه‌ای بدان پرداخته شده یا در چارچوبی تقلیل‌گرایانه محدود به کنش‌های نظامی صرف باقی مانده است.

ایل شاهسون به‌عنوان یکی از مهم‌ترین و پرجمعیت‌ترین ایلات ترک‌زبان آذربایجان، از جمله بازیگران کلیدی این تحولات به‌شمار می‌رفت. استقرار این ایل در مناطق راهبردی شمال غرب ایران، به‌ویژه دشت مغان و نواحی پیرامون رود ارس، آن را در خط مقدم مواجهه با تهدیدات خارجی قرار داده بود. پیشینه تاریخی شکل‌گیری شاهسون‌ها در دوره صفوی، نقش نظامی آنان در حفاظت از مرزها و مسیرهای تجاری و تداوم این کارکرد در دوره‌های افشاریه و آغاز قاجاریه، سبب شده بود که این ایل از انسجام اجتماعی، هویت نظامی و تجربه تاریخی قابل توجهی برخوردار باشد. چنین ویژگی‌هایی شاهسون‌ها را به یکی از عناصر قابل اتکای دولت قاجار در شرایط ضعف ساختاری ارتش منظم و کمبود منابع مالی و لجستیکی تبدیل کرد. با آغاز جنگ اول ایران و روسیه، دولت قاجار ناگزیر به اتکا بر نیروهای ایلی و

محلی شد؛ نیروهایی که اگرچه فاقد آموزش و سازماندهی نظامی مدرن بودند، اما به واسطه شناخت عمیق جغرافیا، تحرک بالا و انسجام اجتماعی، توان ایفای نقش مؤثر در دفاع محلی، پشتیبانی لجستیکی و ایجاد تأخیر در پیشروی دشمن را داشتند. در این میان، ایل شاهسون نقشی فراتر از یک نیروی صرفاً نظامی ایفا کرد و در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی نیز به کنشگری فعال بدل شد. مشارکت این ایل در جنگ، نه تنها بر روند درگیری‌های محلی اثر گذاشت، بلکه مناسبات قدرت میان دولت مرکزی و ایلات، ساختار درونی ایل و الگوهای معیشتی و جمعیتی شاهسون‌ها را دستخوش تحول ساخت.

با وجود اهمیت این نقش، بررسی جامع و تحلیلی جایگاه ایل شاهسون در جنگ اول ایران و روسیه کمتر مورد توجه پژوهش‌های تاریخی قرار گرفته است. بسیاری از مطالعات موجود، تمرکز خود را بر سیاست‌های کلان دولت قاجار، شکست‌های نظامی ایران یا ابعاد دیپلماتیک جنگ معطوف کرده‌اند و نقش ایلات مرزی را یا به‌صورت پراکنده بررسی کرده یا به‌عنوان عوامل حاشیه‌ای تلقی نموده‌اند. این در حالی است که بدون تحلیل کارکرد ایلاتی چون شاهسون، درک سازوکارهای دفاعی، اجتماعی و حتی سیاسی ایران در این دوره ناقص خواهد بود.

پژوهش حاضر با رویکردی تاریخی-تحلیلی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای در پی آن است که نقش چندبعدی ایل شاهسون در جنگ اول ایران و روسیه را بررسی کند. این مطالعه، ابتدا زمینه‌های تاریخی، اجتماعی، اقتصادی و نظامی شکل‌گیری جایگاه شاهسون‌ها را واکاوی می‌کند، سپس به تحلیل نقش نظامی، سیاسی و اجتماعی آنان در جریان جنگ می‌پردازد و در ادامه، پیامدهای اقتصادی، جمعیتی و تأثیر بلندمدت این جنگ بر جایگاه ایل شاهسون را مورد بررسی قرار می‌دهد. هدف اصلی ارائه تصویری

واقع‌بینانه‌تر از نقش ایلات مرزی در تحولات عصر قاجار و نشان دادن آن است که ایل شاهسون چگونه در تعامل با دولت مرکزی و در مواجهه با تهدید خارجی، هم عامل پایداری ساختار دفاعی کشور و هم متأثر از پیامدهای عمیق جنگ شد. چنین رویکردی می‌تواند به فهم دقیق‌تر تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دوره قاجار و بازخوانی نقش ایلات در تحولات کلان تاریخی یاری رساند.

بررسی نقش ایل شاهسون در جنگ اول ایران و روسیه از آن رو اهمیت دارد که این جنگ صرفاً یک رویارویی نظامی میان دو دولت نبود، بلکه نقطه عطفی در بازتعریف مناسبات قدرت، ساختارهای اجتماعی، اقتصاد ایلی و روابط دولت مرکزی با جوامع مرزنشین به‌شمار می‌آید. ایلات مرزی به‌ویژه در شمال‌غرب ایران، در خط مقدم مواجهه با تهدید خارجی قرار داشتند و همزمان نقش واسطه‌ای میان دولت قاجار و جامعه محلی ایفا می‌کردند. با وجود این اهمیت، بخش عمده‌ای از پژوهش‌های موجود یا تمرکز خود را بر سیاست‌های کلان و ساختار دولت قاجار معطوف کرده‌اند، یا هر یک از ابعاد نظامی، اقتصادی و اجتماعی ایلات را به‌صورت جداگانه بررسی کرده‌اند. از این رو، ضرورت انجام پژوهشی که با رویکردی یکپارچه و چندبعدی، نقش ایل شاهسون را در بستر جنگ اول ایران و روسیه تحلیل کند، کاملاً محسوس است.

در میان آثار موجود، کتاب ریچارد تاپر (۱۳۸۳) با عنوان *عشایر مرزنشین ایران: تاریخ اجتماعی و اقتصادی شاهسون‌ها* یکی از بنیادی‌ترین مطالعات درباره ایل شاهسون به‌شمار می‌آید. تاپر با تمرکز بر تاریخ اجتماعی و اقتصادی این ایل، ساختارهای ایلی، شیوه معیشت، کوچ‌نشینی و روابط شاهسون‌ها با دولت مرکزی را به‌تفصیل بررسی کرده است. نقطه قوت این اثر، نگاه عمیق مردم‌نگارانه و تحلیل بلندمدت تحولات ایلی است؛ با این حال، نقش شاهسون‌ها

در جنگ به‌صورت مستقیم و تحلیلی مستقل بررسی نشده و جنگ بیشتر به‌عنوان یکی از زمینه‌های تغییرات کلی مطرح می‌شود. پژوهش حاضر با تمرکز مشخص بر جنگ این خلأ را پر کرده و نشان می‌دهد که چگونه تجربه جنگ، نقطه عطفی در بازتعریف نقش نظامی، سیاسی و اقتصادی شاهسون‌ها بوده است. کتاب کاظمی (۱۳۸۹) با عنوان *پیامدهای جنگ اول ایران و روسیه بر جوامع ایلی شمال‌غرب* به‌طور مستقیم به آثار این جنگ بر ایلات مرزنشین می‌پردازد و از این منظر به موضوع پژوهش حاضر نزدیک است. کاظمی با رویکردی کلان، پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی جنگ را در سطح منطقه‌ای تحلیل می‌کند و تصویری کلی از فشارهای ناشی از جنگ بر جوامع ایلی ارائه می‌دهد. با این حال، تمرکز او بیشتر بر مجموعه ایلات شمال‌غرب است و ایل شاهسون به‌عنوان یک مطالعه موردی مستقل و عمیق بررسی نمی‌شود. پژوهش حاضر با انتخاب ایل شاهسون به‌عنوان محور اصلی، امکان تحلیل دقیق‌تر سازوکارهای درونی ایل و واکنش‌های خاص آن به جنگ را فراهم می‌سازد و از کلی‌گویی‌های ناگزیر مطالعات منطقه‌ای فراتر می‌رود. اثر امینی (۱۳۹۰) با عنوان *ایلات و عشایر آذربایجان در دوره قاجار* اطلاعات ارزشمندی درباره ساختار اجتماعی، اقتصادی و نظامی ایلات آذربایجان ارائه می‌دهد. امینی جایگاه ایلات در نظام سیاسی قاجار و نقش آنان در تحولات محلی را بررسی کرده است. نقطه قوت این اثر، پوشش گسترده جغرافیایی و تاریخی ایلات آذربایجان است؛ اما به دلیل همین گستردگی، نقش ایل شاهسون در جنگ به‌صورت فشرده و غیرتحلیلی مطرح می‌شود. پژوهش حاضر با تمرکز اختصاصی بر شاهسون‌ها، امکان بررسی پیوند میان ساختار ایلی، مشارکت نظامی و پیامدهای بلندمدت جنگ را به‌صورت منسجم فراهم می‌کند.

همچنین مقاله بهرامی (۱۳۹۷) با عنوان «وابستگی اقتصادی ایلات مرزنشین به دولت قاجار پس از جنگ اول ایران و روسیه» یکی دیگر از منابع نزدیک به موضوع پژوهش است. این مقاله با تمرکز بر پیامدهای اقتصادی جنگ، نشان می‌دهد که چگونه تضعیف بنیان‌های معیشتی ایلات، وابستگی آنان به دولت مرکزی را افزایش داد. نقطه قوت این پژوهش، تحلیل دقیق سازوکارهای وابستگی اقتصادی است؛ اما تمرکز آن عمدتاً بر دوره پس از جنگ و بُعد اقتصادی است و پیوند این وابستگی با نقش نظامی، سیاسی و اجتماعی ایلات کمتر مورد توجه قرار گرفته است. پژوهش حاضر با تلفیق این بُعد اقتصادی و تحلیل نقش نظامی و سیاسی ایل شاهسون، تصویری جامع‌تر از فرایند وابستگی و پیامدهای چندلایه آن ارائه می‌دهد.

رویکرد مقاله حاضر امکان درک عمیق‌تر از نقش ایلات مرزی در جنگ‌های عصر قاجار و بازتعریف مناسبات دولت و ایل را فراهم می‌سازد و نشان می‌دهد که ایل شاهسون نه تنها کنشگری تابع شرایط، بلکه عاملی فعال در شکل‌دهی به تحولات تاریخی شمال غرب ایران بوده است.

۲. زمینه‌های تاریخی، جغرافیایی ایل شاهسون

برای تحلیل دقیق و علمی نقش عملی ایل شاهسون در جنگ بررسی زمینه‌های تاریخی، اجتماعی، اقتصادی و نظامی این ایل در دوره پیش از جنگ، ضرورتی انکارناپذیر است. ایلات مرزی از جمله شاهسون‌ها، نه تنها بازیگران محلی، بلکه عناصر تأثیرگذار در معادلات امنیتی دولت قاجار به‌شمار می‌آمدند. قرار گرفتن شاهسون‌ها در شمال غرب ایران، همراه با تجربه تاریخی طولانی در مواجهه با تهدیدات خارجی و تعامل مستمر با قدرت مرکزی، سبب شد این ایل در آستانه جنگ با روسیه، نقشی فراتر از یک نیروی محلی ایفا کند. از این رو، شناخت بسترهای

شکل‌گیری این نقش، پیش‌نیاز تحلیل عملکرد نظامی آنان در جریان جنگ است.

ایل شاهسون از ایلات ترک‌زبان آذربایجان محسوب می‌شود که ریشه‌های شکل‌گیری آن به دوره صفوی بازمی‌گردد. دولت صفوی برای مقابله با ناامنی‌های مرزی و کنترل مسیرهای راهبردی، برخی ایلات را با مأموریت‌های مشخص نظامی و امنیتی سازمان‌دهی کرد. شاهسون‌ها در چنین چارچوبی، به‌عنوان نیرویی وفادار به دولت مرکزی، مسئولیت‌هایی چون حفاظت از مرزها، تأمین امنیت مسیرهای تجاری و مقابله با تهاجمات محلی را بر عهده گرفتند. این نقش در دوره افشار استمرار یافت و به‌تدریج موجب شکل‌گیری هویت نظامی و انسجام سازمانی بیشتری در میان شاهسون‌ها شد (تاپر، ۱۳۸۳: ۴۶-۳۵). این فرایند تاریخی سبب گردید که در اوایل دوره قاجار، شاهسون‌ها به یکی از عناصر قابل اتکای دولت در شمال غرب ایران تبدیل شوند. ساختار اجتماعی ایل شاهسون بر پایه نظام طایفه‌ای و پیوندهای خویشاوندی استوار بود. چنین ساختاری، افزون بر تقویت همبستگی درون‌گروهی، امکان سازمان‌دهی و بسیج سریع نیروهای انسانی را فراهم می‌کرد. رهبری ایلی، که عمدتاً در اختیار سران طوایف و بزرگان خانواده‌ها قرار داشت، نقش مهمی در هماهنگی فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و نظامی ایفا می‌کرد. در این نظام، وفاداری به طایفه و اطاعت از ریش‌سفیدان، ضامن انسجام داخلی و کارآمدی تصمیم‌گیری جمعی بود. این ویژگی، به‌ویژه در شرایط بحرانی و تهدیدات خارجی، به شاهسون‌ها امکان واکنش سریع و نسبتاً منسجم می‌داد.

سبک زندگی کوچ‌نشینی شاهسون‌ها، تأثیر مستقیمی بر آمادگی نظامی آنان داشت. انتقال فصلی میان بیلاق و قشلاق که معمولاً میان دامنه‌های کوه سبلان و دشت مغان انجام می‌شد، نه تنها الگوی معیشتی ایل را شکل می‌داد، بلکه

تجربه‌ای مستمر از تحرک، تطبیق با شرایط جغرافیایی و مدیریت منابع را به همراه داشت. افراد ایل از سنین نوجوانی، با مهارت‌هایی چون اسب‌سواری، تیراندازی، مراقبت از دام‌ها و دفاع از محدوده‌های ایلی آشنا می‌شدند؛ مهارت‌هایی که در شرایط جنگی کارآمد بود (امینی، ۱۳۹۰: ۸۸-۸۰). به همین دلیل، شاهسون‌ها از نیروی انسانی برخوردار بودند که بدون آموزش رسمی نظامی، آمادگی نسبی برای مشارکت در درگیری‌های مسلحانه داشت. اقتصاد ایل شاهسون عمدتاً بر پایه دامداری و کوچ فصلی استوار بود. دام، علاوه بر تأمین معیشت خانواده‌ها، منبع اصلی تولید ثروت به‌شمار می‌رفت و محصولات دامی مانند پشم، گوشت و لبنیات در بازارهای محلی و منطقه‌ای مبادله می‌شد (رضایی، ۱۳۹۲: ۷۵-۶۵). این ساختار اقتصادی، هرچند مبتنی بر ابزارهای ساده و شیوه‌های سنتی بود، اما نوعی استقلال نسبی اقتصادی برای ایل فراهم می‌کرد. چنین استقلالی در شرایط بحران‌های نظامی، به شاهسون‌ها اجازه می‌داد بدون وابستگی کامل به دولت مرکزی، بخشی از نیازهای لجستیکی خود را تأمین کنند و توان مقاومت اجتماعی و نظامی خود را حفظ نمایند.

موقعیت جغرافیایی شاهسون‌ها در شمال غرب ایران، به‌ویژه استقرار آنان در دشت مغان و مناطق پیرامونی رود ارس، نقش تعیین‌کننده‌ای در اهمیت نظامی این ایل داشت. دشت مغان، به‌دلیل مراتع وسیع و قرار گرفتن در مسیر ارتباطی ایران و قفقاز، هم از نظر اقتصادی و هم از نظر راهبردی اهمیت ویژه‌ای داشت. این منطقه، گذرگاه طبیعی نیروهای مهاجم به‌شمار می‌رفت و در صورت ناامنی، عمق دفاعی شمال غرب ایران به‌شدت تضعیف می‌شد. با گسترش نفوذ روسیه تزاری به قفقاز در اواخر قرن هجدهم میلادی، این منطقه به یکی از نخستین عرصه‌های برخورد میان نیروهای روسیه و مدافعان محلی تبدیل شد (کسروی، ۱۳۷۵: ۲۵۲-۲۴۵).

در دوره قاجار، ضعف ساختاری ارتش منظم ایران، دولت را ناگزیر به اتکا بر نیروهای ایلی و محلی کرد. قشون قاجار از نظر سازمان‌دهی، آموزش و تجهیزات، توان رقابت با ارتش مدرن روسیه را نداشت و با محدودیت‌های مالی و لجستیکی جدی مواجه بود (آدمیت، ۱۳۷۰: ۸۶-۷۸). در چنین شرایطی، ایلات مرزی مانند شاهسون‌ها به‌عنوان خط مقدم دفاع محلی ایفای نقش می‌کردند. این نقش شامل شرکت در درگیری‌های محدود، حفاظت از مسیرهای تدارکاتی، دیده‌بانی مرزها و انجام عملیات‌های ایزدایی علیه نیروهای مهاجم بود. هرچند این اقدامات جایگزین یک دفاع سازمان‌یافته و مدرن نمی‌شد، اما در کاهش فشار دشمن و ایجاد تأخیر در پیشروی او مؤثر بود. روابط شاهسون‌ها با دولت قاجار بر پایه نوعی تعامل متقابل شکل گرفته بود. دولت برای حفظ امنیت مرزها به توان نظامی و شناخت محلی ایل نیاز داشت و در مقابل، شاهسون‌ها در ازای این همکاری، از امتیازاتی چون تأیید سران ایلی، معافیت‌های مالیاتی نسبی و دریافت مواجب محدود برخوردار می‌شدند (پناهی، ۱۳۹۴: ۱۲۵-۱۱۰). این رابطه، هرچند همواره با تنش‌ها و بی‌اعتمادی‌هایی همراه بود، اما در مجموع چارچوبی برای مشارکت شاهسون‌ها در ساختار دفاعی کشور فراهم می‌کرد. تجربه‌های پیشین شاهسون‌ها در مواجهه با تهدیدات منطقه‌ای، به‌ویژه درگیری‌های پراکنده با نیروهای عثمانی و منازعات محلی، سرمایه‌ای مهم برای آمادگی نظامی آنان محسوب می‌شد. این تجربه‌ها موجب شکل‌گیری تاکتیک‌هایی چون حملات سریع سواره، بهره‌گیری از زمین و عقب‌نشینی‌های حساب‌شده شده بود. هرچند این شیوه‌ها با استانداردهای جنگ مدرن فاصله داشت، اما در چارچوب جنگ‌های نامنظم و دفاع محلی کارآمد بود (تاپر، ۱۳۸۳: ۱۵۷-۱۵۲). در کنار نقش نظامی، انسجام اجتماعی و فرهنگی شاهسون‌ها در تقویت توان

دفاعی آنان مؤثر بود. فرهنگ ایلی، با تأکید بر همبستگی طایفه‌ای، حمایت متقابل و احترام به ساختارهای سنتی قدرت، امکان بسیج منابع انسانی و مادی را در شرایط بحرانی فراهم می‌کرد. همکاری میان خانواده‌ها، تقسیم منابع و مسئولیت‌پذیری جمعی، از عواملی بود که تاب‌آوری اجتماعی ایل را افزایش می‌داد (رضایی، ۱۳۹۲: ۸۲-۷۵). برخی شواهد تاریخی نشان می‌دهد که شاهسون‌ها در مواقع بحرانی، علاوه بر دفاع از قلمرو خود، به‌عنوان نیروی کمکی در کنار ایلات همسایه وارد عمل می‌شدند. این همکاری‌ها، هرچند پایدار نبود، اما در برابر تهدیدات خارجی، به تقویت جایگاه سیاسی و اجتماعی شاهسون‌ها در منطقه انجامید (کاتوزیان، ۱۳۸۸: ۱۶۰-۱۵۵).

در مجموع، بررسی زمینه‌های تاریخی، اجتماعی، اقتصادی و نظامی ایل شاهسون نشان می‌دهد که این ایل در آستانه جنگ اول ایران و روسیه، از ظرفیت‌های قابل توجهی برای ایفای نقش دفاعی برخوردار بود. ساختار اجتماعی منسجم، اقتصاد نسبتاً مستقل، شناخت عمیق جغرافیایی و تجربه تاریخی در مواجهه با تهدیدات، شاهسون‌ها را به یکی از عناصر کلیدی در معادلات امنیتی شمال‌غرب ایران تبدیل کرد. این پیش‌زمینه تحلیلی، پایه‌ای ضروری برای بررسی نقش عملی و نظامی شاهسون‌ها در جریان جنگ اول ایران و روسیه فراهم می‌سازد و بدون آن، تحلیل عملکرد این ایل ناقص و غیرواقع‌بینانه خواهد بود.

۳. نقش نظامی ایل شاهسون در جنگ

ایل شاهسون در جریان جنگ، نقشی حیاتی، چندلایه و فراتر از یک نیروی صرفاً محلی در دفاع از شمال‌غرب ایران ایفا کرد. اهمیت این نقش تنها به مشارکت مستقیم در میدان نبرد محدود نبود، بلکه مجموعه‌ای از ظرفیت‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ایل در پایداری ساختار دفاعی منطقه تأثیرگذار بود. ساختار طایفه‌ای و سلسله‌مراتبی شاهسون‌ها،

که بر پایه پیوندهای خویشاوندی و اقتدار سران ایلی شکل گرفته بود، امکان بسیج سریع نیروها، هماهنگی عملیاتی و تصمیم‌گیری نسبتاً منسجم را فراهم می‌کرد. این ویژگی، در شرایطی که دولت قاجار از ضعف ساختاری ارتش منظم رنج می‌برد، اهمیتی دوچندان داشت. آموزش نظامی در میان شاهسون‌ها از سنین پایین آغاز می‌شد و به‌عنوان بخشی از زیست روزمره ایلی تلقی می‌گردید. نوجوانان لیل در فرآیند زندگی کوچ‌نشینی، به‌طور عملی با مهارت‌هایی چون سواره‌نظام سبک، تیراندازی، دفاع محلی و تاکتیک‌های جنگ‌های نامنظم آشنا می‌شدند. تجربه حاصل از کوچ‌های فصلی، مواجهه با ناامنی‌های محلی و درگیری‌های پراکنده، آمادگی آنان را برای حضور در نبردهای گسترده‌تر افزایش می‌داد و توان فردی و جمعی نیروهای ایلی را تقویت می‌کرد (امینی، ۱۳۹۰: ۸۸-۸۰). این آموزش‌ها صرفاً به مهارت‌های رزمی محدود نبود، بلکه توانایی‌هایی مانند مدیریت منابع، هماهنگی اجتماعی و سازماندهی گروهی را در میان اعضای ایل پرورش می‌داد؛ عواملی که در شرایط بحرانی جنگ، به‌ویژه در مقابله با نیروهای منظم روسیه، کارآمدی قابل توجهی داشت.

شاهسون‌ها در عملیات نظامی خود، به‌طور گسترده از شناخت دقیق جغرافیای منطقه بهره می‌گرفتند. آشنایی با مسیرهای کوهستانی، دشت‌ها، گذرگاه‌ها و نقاط استراتژیک، به آنان امکان می‌داد عملیات دفاعی پیچیده و حملات پیشدستانه مؤثری را طراحی و اجرا کنند. این شناخت محیطی که حاصل نسل‌ها سکونت و کوچ در منطقه بود، مزیتی مهم در برابر نیروهای مهاجم محسوب می‌شد. همکاری شاهسون‌ها با دیگر ایلات مرزی و نیروهای وابسته به دولت مرکزی، به ایجاد نوعی دفاع ترکیبی انجامید که بدون اتکا کامل به ارتش منظم، امنیت نسبی مرزها را تأمین می‌کرد.

علاوه بر مشارکت مستقیم در نبرد، شاهسون‌ها نقش مهمی در پشتیبانی لجستیکی ایفا کردند. تأمین خوراک، اسب، تجهیزات سبک و حتی نیروی انسانی، بخشی از مسئولیت‌هایی بود که بر عهده این ایل قرار داشت. این پشتیبانی، توان عملیاتی نیروهای دولتی را افزایش می‌داد و در عین حال، جایگاه اجتماعی و سیاسی شاهسون‌ها را در ساختار دفاعی منطقه تقویت می‌کرد (کریمی، ۱۳۹۸: ۷۵-۹۸). همچنین نقش آنان در جمع‌آوری اطلاعات، شناسایی مسیرهای حرکت دشمن و انتقال اخبار نظامی، بسیار کلیدی بود. این اطلاعات، در طراحی حملات پیشدستانه و تنظیم خطوط دفاعی مورد استفاده قرار می‌گرفت و به افزایش اثربخشی عملیات‌ها می‌انجامید.

انسجام اجتماعی ایل شاهسون، یکی دیگر از عوامل اساسی موفقیت نظامی آنان به‌شمار می‌رفت. شبکه‌های خویشاوندی و طایفه‌ای در زمان بسیج نیروها، به‌سرعت فعال می‌شد و نوعی حمایت متقابل میان خانواده‌ها و طوایف شکل می‌گرفت. این انسجام، افزون بر تقویت روحیه رزمی، هویت جمعی ایل را در شرایط بحرانی تقویت می‌کرد. مدیریت منابع اقتصادی در زمان جنگ با تکیه بر همین سازوکارهای اجتماعی انجام می‌شد؛ بخشی از دام‌ها و محصولات دامی برای تأمین نیازهای نظامی اختصاص می‌یافت و مسیرهای کوچ فصلی با توجه به شرایط امنیتی تنظیم می‌شد (زمانی، ۱۳۹۷: ۶۵-۵۰). چنین مدیریتی شاهسون‌ها را با چالش‌های برنامه‌ریزی اقتصادی و لجستیکی در شرایط بحرانی آشنا ساخت و توان سازگاری آنان را افزایش داد. تعامل شاهسون‌ها با دولت قاجار، نقشی تعیین‌کننده در تداوم این مشارکت نظامی داشت. دولت با اعطای اختیارات محدود به سران طوایف و به‌رسمیت شناختن جایگاه آنان، تلاش می‌کرد وفاداری ایل را حفظ کند و نقش آن را در دفاع از مرزها تثبیت نماید. این تعامل،

شاهسون‌ها را به بازیگرانی فعال در تصمیم‌گیری‌های محلی و اجرای عملیات نظامی تبدیل کرد و جایگاه سیاسی و اجتماعی آنان را در ساختار منطقه ارتقا داد (آدمیت، ۱۳۷۰: ۷۸-۸۶). تجربه‌های تاریخی پیشین، از جمله درگیری با نیروهای عثمانی و قزلباشان، آمادگی آنان را برای حضور در نبردهای گسترده افزایش داده بود و مهارت‌های نظامی‌شان را در چارچوب جنگ‌های منطقه‌ای کارآمد ساخته بود (مرادی، ۱۳۹۵: ۱۲۰-۱۰۵).

شاهسون‌ها با ترکیب مهارت‌های نظامی، انسجام اجتماعی و شناخت دقیق جغرافیا، توانستند عملیات دفاعی موفقی را به اجرا بگذارند. اختلال در خطوط تأمین دشمن، اجرای حملات ناگهانی و هدایت عملیات‌های ایذایی، از جمله اقداماتی بود که نقش آنان را در سیاست‌های منطقه‌ای و تصمیم‌گیری‌های دولت قاجار برجسته ساخت (بهرامی، ۱۳۹۶: ۱۰۲-۸۰). این عملکرد نظامی، نه تنها در کوتاه‌مدت بر روند درگیری‌ها اثر گذاشت، بلکه تجربه‌ای ارزشمند برای نسل‌های بعدی ایل به‌جا گذاشت و سطح سازماندهی و هماهنگی گروهی را ارتقا داد. در نهایت، مشارکت شاهسون‌ها در جنگ پیامدهایی فراتر از میدان نبرد داشت. این تجربه، مهارت‌های نظامی، انسجام اجتماعی و توان مدیریت منابع ایل را تقویت کرد و شبکه‌های حمایتی داخلی را گسترش داد. شاهسون‌ها نه تنها به‌عنوان نیرویی نظامی، بلکه به‌عنوان بازیگری مؤثر در سیاست‌های منطقه‌ای، تصمیم‌گیری‌های اقتصادی و تأمین امنیت محلی ظاهر شدند (رحیمی، ۱۳۹۴: ۷۰-۵۰). بررسی این نقش نشان می‌دهد شاهسون‌ها چگونه می‌توانند در تحولات تاریخی، هم در عرصه نظامی و هم در ساختارهای اجتماعی و اقتصادی، نقشی تعیین‌کننده و ماندگار ایفا کنند؛ نقشی که در فهم تاریخ نظامی و اجتماعی ایران دوره قاجار، نمی‌توان آن را نادیده گرفت.

۴. نقش سیاسی و اجتماعی ایل شاهسون در جنگ

جنگ اول ایران و روسیه را نمی‌توان صرفاً به‌عنوان یک تقابل نظامی میان دو دولت تحلیل کرد؛ این جنگ در سطوح عمیق‌تر خود، ساختارهای اجتماعی و مناسبات سیاسی مناطق مرزی ایران، به‌ویژه شمال‌غرب کشور، را به‌شدت دگرگون ساخت. در این میان، ایل شاهسون به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ایلات مرزنشین آذربایجان، نقشی فراتر از کنش نظامی ایفا کرد و به یکی از بازیگران فعال در عرصه سیاسی و اجتماعی منطقه تبدیل شد. موقعیت جغرافیایی راهبردی، ساختار ایلی منسجم و پیوند تاریخی این ایل با سیاست‌های دولت مرکزی، شاهسون‌ها را در خلال جنگ به عاملی تأثیرگذار در معادلات قدرت محلی و منطقه‌ای بدل ساخت (تاپر، ۱۳۸۳: ۱۲۴). از منظر سیاسی، جنگ زمینه‌ای فراهم آورد تا جایگاه ایلات مرزی در چارچوب حکمرانی دولت قاجار بازتعریف شود. دولت مرکزی که در تأمین امنیت مرزها و اعمال اقتدار مؤثر در مناطق پیرامونی با محدودیت‌های جدی مواجه بود، ناگزیر به اتکا بر نیروهای ایلی شد. در این ساختار، ایل شاهسون به‌دلیل استقرار در نواحی حساس مرزی، توان بسیج اجتماعی و سابقه تعامل با قدرت مرکزی، به یکی از ابزارهای مهم اعمال سیاست دولت در شمال‌غرب ایران تبدیل گردید. این وضعیت، نوعی رابطه متقابل و مبتنی بر چانه‌زنی سیاسی میان دولت و سران ایل ایجاد کرد؛ رابطه‌ای که در آن، وفاداری ایلی در برابر امتیازات سیاسی، اقتصادی و اداری قرار می‌گرفت (افشار نادری، ۱۳۸۱: ۱۰۷).

جنگ ایران و روسیه همچنین موجب تقویت نقش سیاسی سران ایل شاهسون در سطح محلی شد. در شرایط بحرانی جنگ، دولت قاجار برای حفظ انسجام جبهه داخلی و جلوگیری از گسست قدرت در مناطق مرزی، ناچار بود اختیارات بیشتری به رهبران ایلی واگذار کند. این امر، دامنه

نفوذ سران شاهسون را در اداره امور داخلی ایل، حل‌وفصل منازعات محلی و تعامل مستقیم با مقامات حکومتی گسترش داد. برخی منابع تاریخی نشان می‌دهد که در این دوره، سران ایل به‌عنوان واسطه‌ای مؤثر میان دولت و جامعه محلی ایفای نقش می‌کردند و در انتقال سیاست‌های حکومتی و بازتاب مطالبات ایلی به مرکز، جایگاهی پررنگ‌تر از گذشته یافتند (سلطانی، ۱۳۹۶: ۱۵۲).

در بعد اجتماعی، جنگ تأثیر قابل توجهی بر ساختار درونی ایل شاهسون برجای گذاشت. بسیج گسترده نیروهای ایلی و مشارکت فعال در تحولات سیاسی و نظامی، به تغییراتی در سلسله‌مراتب اجتماعی ایل انجامید. جایگاه جنگاوران، سران طوایف و گروه‌هایی که ارتباط نزدیک‌تری با دولت داشتند، تقویت شد و در مقابل، گروه‌هایی که مشارکت کمتری در جنگ داشتند، به حاشیه رانده شدند. این جابه‌جایی‌های درون‌ساختاری، هرچند در کوتاه‌مدت به انسجام و کارآمدی ایلی کمک کرد، اما در بلندمدت زمینه بروز تنش‌ها و نابرابری‌های اجتماعی جدیدی را فراهم آورد (نوری، ۱۳۹۸: ۶۹). جنگ ایران و روسیه، فشارهای اجتماعی و اقتصادی قابل توجهی بر جامعه شاهسون تحمیل کرد. اختلال در مسیرهای کوچ فصلی، کاهش امنیت چراگاه‌ها، افزایش مصادره دام‌ها و ناامنی عمومی، معیشت ایلی را با بحران مواجه ساخت. این فشارها، نارضایتی‌هایی را در میان بدنه ایل ایجاد کرد که گاه به شکل کاهش همکاری با دولت یا بروز مقاومت‌های پنهان نمود پیدا می‌کرد. از این‌رو، مشارکت سیاسی و نظامی شاهسون‌ها در جنگ، هم‌زمان با هزینه‌های اجتماعی و اقتصادی همراه بود که پایداری این مشارکت را با چالش مواجه می‌ساخت (محمدی، ۱۳۹۵: ۵۰).

در سطح منطقه‌ای، ایل شاهسون به‌عنوان یکی از عوامل اصلی حفظ تعادل قدرت در شمال‌غرب ایران عمل می‌کرد.

حضور فعال این ایل در مناطق مرزی، مانع از شکل‌گیری خلأ قدرت و نفوذ سریع نیروهای روسیه یا متحدان محلی آنان می‌شد. این نقش سیاسی- اجتماعی، به‌ویژه در مناطقی که اقتدار رسمی دولت ضعیف‌تر بود، اهمیت بیشتری داشت. شاهسون‌ها با تکیه بر شبکه‌های خویشاوندی، پیوندهای ایلی و سازوکارهای سنتی قدرت، نوعی نظم محلی برقرار می‌کردند که در شرایط جنگی، کارکردی جایگزین یا مکمل اقتدار رسمی دولت می‌یافت (جعفری، ۱۳۹۱: ۵۸). جنگ اول ایران و روسیه همچنین موجب شکل‌گیری نوعی آگاهی سیاسی تازه در میان اعضای ایل شاهسون شد. مواجهه مستقیم با قدرت خارجی و پیامدهای تصمیمات دولت مرکزی، نگرش ایلات نسبت به مفاهیمی چون مرز، حاکمیت و نقش دولت را دگرگون ساخت. هرچند این آگاهی در قالب گفتمان سیاسی مدرن بروز نیافت، اما در رفتارهای جمعی ایل، شیوه تعامل با دولت قاجار و ارزیابی منافع و هزینه‌های مشارکت سیاسی قابل مشاهده است. از این منظر، جنگ را می‌توان یکی از نقاط عطف در تحول سیاسی- اجتماعی ایلات مرزنشین ایران دانست (رستمی، ۱۳۹۳: ۱۱۰).

در جمع‌بندی، نقش سیاسی و اجتماعی ایل شاهسون در جریان جنگ، نقشی چندبعدی، پویا و تعیین‌کننده بود. این ایل نه تنها در خدمت سیاست‌های دفاعی دولت قاجار قرار گرفت، بلکه خود به کنشگری فعال در شکل‌دهی به مناسبات قدرت محلی و منطقه‌ای تبدیل شد. مشارکت سیاسی شاهسون‌ها، اگرچه در کوتاه‌مدت موجب تقویت جایگاه آنان گردید، اما هم‌زمان هزینه‌های اجتماعی و اقتصادی قابل توجهی بر جامعه ایلی تحمیل کرد. بررسی این نقش نشان می‌دهد که فهم جنگ‌های عصر قاجار بدون توجه به کنش ایلات مرزی، تحلیلی ناقص و تقلیل‌گرایانه خواهد بود و جایگاه ایلاتی چون شاهسون در تاریخ سیاسی و اجتماعی

ایران، شایسته توجهی جدی و تحلیلی عمیق است (تاپر، ۱۳۸۳: ۱۶۷).

۵. پیامدهای اقتصادی و جمعیتی

جنگ ایران و روسیه، افزون بر پیامدهای نظامی و سیاسی، آثار عمیق، گسترده و پایداری بر ساختارهای اقتصادی و جمعیتی ایلات مرزنشین شمال‌غرب ایران برجای گذاشت. این جنگ که در بستر ضعف ساختاری دولت قاجار و فشار فزاینده قدرت‌های خارجی شکل گرفت، بیش از هر چیز جوامع ایلی مستقر در مناطق مرزی را در معرض آسیب‌های مستقیم و غیرمستقیم قرار داد. ایل شاهسون، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین و پرجمعیت‌ترین ایلات آذربایجان، به دلیل موقعیت جغرافیایی مرزی، وابستگی شلید به دامداری و کوچ فصلی و نقش فعال در تحولات نظامی و سیاسی، از جمله گروه‌هایی بود که پیامدهای این جنگ را به شکلی عمیق و چندلایه تجربه کرد. از این منظر، بررسی آثار اقتصادی و جمعیتی جنگ بر ایل شاهسون، ابعادی فراتر از یک مطالعه موردی دارد و می‌تواند درک دقیق‌تری از تأثیر جنگ‌های عصر قاجار بر ساختارهای اجتماعی ایران ارائه دهد (کاظمی، ۱۳۸۹: ۹۱).

از نظر اقتصادی، مهم‌ترین پیامد جنگ برای ایل شاهسون، اختلال گسترده در نظام معیشتی مبتنی بر دامداری بود. اقتصاد ایلی شاهسون‌ها به‌طور کامل بر پرورش دام، بهره‌برداری از مراتع و کوچ فصلی میان بیلاق و قشلاق استوار بود. بروز ناامنی‌های گسترده در مناطق مرزی، حضور نیروهای نظامی روس و ایرانی و تبدیل بسیاری از نواحی چراگاهی به میدان‌های درگیری، دسترسی ایل به مراتع امن را به‌شدت محدود کرد. اشغال یا تخریب مراتع، ناامنی مسیرهای کوچ و کاهش امکان جابه‌جایی آزادانه، موجب افت شدید تولید دام و کاهش توان اقتصادی خانوارهای ایلی شد. دام که نه تنها منبع اصلی تغذیه، بلکه پایه مبادله

اقتصادی، پرداخت مالیات، تأمین مهریه و حفظ منزلت اجتماعی در ساختار ایلی محسوب می‌شد، در جریان جنگ به‌طور گسترده از میان رفت یا مصادره شد (میرزایی، ۱۳۹۲: ۱۴۴). علاوه بر تخریب مستقیم منابع اقتصادی، جنگ موجب تشدید فشارهای مالی از سوی دولت قاجار بر ایلات مرزی شد. دولت که برای تأمین هزینه‌های جنگ با کمبود شدید منابع مالی مواجه بود، ناگزیر به اعمال مالیات‌های فوق‌العاده، دریافت عوارض اجباری و تحمیل تعهدات لجستیکی بر ایلات شد. ایل شاهسون که پیش از این با نوسان معیشتی و محدودیت‌های اقتصادی روبه‌رو بود، در این دوره بار مالی مضاعفی را تحمل کرد. این فشارها، نه تنها موجب کاهش سرمایه دایمی و نقدینگی ایل شد، بلکه توان بازتولید اقتصادی آن را به شدت تضعیف کرد و بسیاری از خانوارهای ایلی را به مرز فقر سوق داد (صابری، ۱۳۹۰: ۱۱۲). در سطح کلان، جنگ موجب برهم خوردن تعادل سنتی اقتصاد ایلی شد. اختلال در شبکه‌های مبادله محلی و منطقه‌ای، کاهش دسترسی به بازارها و ناامنی مسیرهای تجاری، امکان فروش محصولات دایمی و تأمین کالاهای ضروری را محدود کرد. این وضعیت، وابستگی اقتصادی ایل را افزایش داد و انعطاف‌پذیری آن در مواجهه با بحران‌های معیشتی را کاهش داد. در چنین شرایطی، سازوکارهای سنتی همیاری و حمایت درون‌ایلی تحت فشار قرار گرفت و توان پاسخ‌گویی به نیازهای گسترده اقتصادی کاهش یافت.

در بعد جمعیتی، پیامدهای جنگ به همان اندازه عمیق و تعیین‌کننده بود. تلفات انسانی ناشی از درگیری‌های نظامی، ناامنی‌های پراکنده، بیماری‌ها و کمبود منابع غذایی، موجب کاهش جمعیت فعال ایل شاهسون شد. این کاهش، به‌ویژه میان مردان جوان و نیروهای مولد، آثار قابل توجهی بر توان اقتصادی و نظامی ایل برجای گذاشت. از سوی دیگر، مهاجرت‌های اجباری و پراکندگی بخشی از جمعیت ایلی به

مناطق امن، انسجام جمعیتی و شبکه‌های خویشاوندی را تضعیف کرد. این جابه‌جایی‌ها، به‌خصوص در میان طوایف کوچک، به ازهم‌گسیختگی ساختارهای سنتی و کاهش انتقال تجربیات و مهارت‌های ایلی انجامید (رحیمی، ۱۳۹۴: ۷۶). اختلال در چرخه کوچ فصلی، یکی دیگر از پیامدهای اساسی جنگ بود که هم ابعاد اقتصادی و هم آثار جمعیتی داشت. کوچ، ستون اصلی تعادل زیستی، اقتصادی و اجتماعی زندگی ایلی شاهسون‌ها به‌شمار می‌رفت. ناامنی مسیرها، حضور نیروهای نظامی و اعمال محدودیت‌های حکومتی، موجب توقف، تأخیر یا تغییر مسیر کوچ شد. این تغییرات، افزون بر فرسایش مراتع و کاهش بهره‌وری دام، موجب افزایش تعارض محلی بر سر منابع محدود و تشدید فشارهای اجتماعی درون ایل گردید. در نتیجه، تعادل دیرپای میان جمعیت، دام و محیط زیست که اساس پایداری اقتصاد ایلی بود، به‌طور جدی برهم خورد (حسینی، ۱۳۹۶: ۱۰۳). از سوی دیگر، پیامدهای اقتصادی جنگ موجب افزایش وابستگی ایل شاهسون به دولت مرکزی شد. کاهش توان خوداتکایی اقتصادی، سران ایل را ناگزیر ساخت برای تأمین علوفه، دریافت کمک‌های مالی، جبران خسارات یا برخورداری از حمایت نظامی، بیش از گذشته به دولت قاجار متوسل شوند. این وابستگی، در کوتاه‌مدت تا حدودی از شدت بحران معیشتی کاست و مانع از فروپاشی کامل ساختار اقتصادی ایل شد، اما در بلندمدت پیامدهای ساختاری مهمی به دنبال داشت. تضعیف استقلال اقتصادی، قدرت چانه‌زنی ایل را کاهش داد و دامنه نفوذ دولت مرکزی را در امور داخلی شاهسون‌ها گسترش داد (بهرامی، ۱۳۹۷: ۸۹). این تحول، نه تنها مناسبات اقتصادی، بلکه ساختار قدرت درون‌ایلی را دگرگون کرد. سران ایل که برای حفظ بقای جامعه ایلی به حمایت دولت نیازمند بودند، ناچار شدند در برابر مداخلات اداری و مطالبات مالی دولت

انعطاف بیشتری نشان دهند. بدین ترتیب، رابطه‌ای که پیش‌تر بر نوعی توازن نسبی میان دولت و ایل استوار بود، به تدریج به رابطه‌ای نامتقارن تبدیل شد که در آن، دست بالاتر در اختیار دولت مرکزی قرار گرفت. این روند، یکی از زمینه‌های تضعیف تدریجی ساختار ایلی و کاهش نقش مستقل ایلات در دهه‌های بعد به‌شمار می‌آید.

در مجموع، پیامدهای اقتصادی و جمعیتی جنگ اول ایران و روسیه بر ایل شاهسون، ماهیتی عمیق، ساختاری و بلندمدت داشت. این جنگ نه تنها بنیان‌های معیشتی ایل را تضعیف کرد و به کاهش جمعیت فعال آن انجامید، بلکه مسیر تحولات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی شاهسون‌ها را در دهه‌های بعد تحت تأثیر قرار داد. بررسی این پیامدها نشان می‌دهد که جنگ‌های عصر قاجار، بیش از آنکه صرفاً رویدادهایی نظامی باشند، نقاط عطفی تعیین‌کننده در تاریخ اجتماعی و اقتصادی ایلات ایران به‌شمار می‌آیند و بدون توجه به این ابعاد، تحلیل این منازعات ناگزیر ناقص و تقلیل‌گرایانه خواهد بود (کاظمی، ۱۳۸۹: ۱۰۸).

۶. تأثیر بلندمدت جنگ در جایگاه ایل شاهسون

جنگ اول ایران و روسیه، فراتر از یک رویارویی نظامی میان دو دولت، تأثیرات عمیق و پایدار بر ساختارهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی شمال‌غرب ایران بر جای گذاشت. ایل شاهسون، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین جوامع ایلی این منطقه، نقش برجسته‌ای در این تحولات ایفا کرد. تجربه جنگ، محدودیت‌های دولت قاجار و تعامل آن با ایلات مرزی، بستری فراهم آورد تا جایگاه ایل شاهسون در معادلات قدرت محلی و منطقه‌ای بازتعریف شود و تعامل میان ایلات و دولت شکل جدیدی به خود بگیرد (کریمی، ۱۳۹۹: ۶۰). این بازتعریف جایگاه، تنها محدود به بُعد نظامی نبود، بلکه ابعاد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایل را

به‌طور جدی تحت تأثیر قرار داد و چارچوب جدیدی برای روابط مرکز و پیرامون ایجاد کرد.

یکی از پیامدهای بارز جنگ، افزایش اهمیت سیاسی سران ایلات بود. دولت قاجار، در مواجهه با تهدید خارجی، ناچار شد اختیارات بیشتری به رهبران شاهسون واگذار کند تا انسجام منطقه‌ای حفظ شود. این فرآیند باعث شد سران ایل نقش واسطه میان دولت و جامعه محلی را تقویت کنند و توان چانه‌زنی سیاسی آنان افزایش یابد. به عبارت دیگر، قدرت سیاسی ایل شاهسون در دهه‌های پس از جنگ بیش از گذشته به رسمیت شناخته شد و آنان توانستند در تعیین سیاست‌های محلی و حتی ملی مشارکت مؤثرتری داشته باشند (علی‌پور، ۱۴۰۰: ۸۲). این تغییر جایگاه سیاسی به ایل امکان داد که در فرآیند تصمیم‌گیری محلی و تعامل با مقامات مرکزی، نه به‌عنوان یک نیروی نظامی صرف، بلکه به‌عنوان کنشگری مؤثر ظاهر شود و نقش خود را در پویایی قدرت منطقه تثبیت کند.

تحولات اجتماعی در اثر جنگ به شکل قابل توجهی تحت تأثیر قرار گرفت. بسیج گسترده نیروهای ایلی و فشارهای ناشی از جنگ، سلسله‌مراتب اجتماعی درون ایل را تغییر داد. جنگاوران و سران فعال در تعامل با دولت، منزلت اجتماعی بیشتری یافتند و در مقابل، گروه‌هایی که کمتر درگیر جنگ بودند، از قدرت و نفوذ اجتماعی کمتری برخوردار شدند. این تغییرات به‌ویژه در طوایف کوچک موجب تنش‌های درونی و چالش‌هایی در حفظ انسجام ایلی شد، اما همزمان انسجام ساختاری و هویت جمعی ایل را در کوتاه‌مدت تقویت کرد (قاسمی، ۱۳۹۸: ۸۵). به این ترتیب، جنگ نه تنها تجربه نظامی بلکه بازتعریفی اجتماعی برای ایل شاهسون به همراه داشت و به نسل‌های بعدی این جامعه ایلی، آگاهی بیشتری نسبت به نقش و مسئولیت‌های اجتماعی منتقل کرد.

در حوزه اقتصادی، جنگ و پیامدهای پس از آن محدودیت‌های جدی ایجاد کرد. از دست رفتن سرمایه‌های دامی، کاهش امنیت مسیرهای کوچ و افزایش وابستگی به دولت برای تأمین منابع، استقلال اقتصادی ایل را کاهش داد. دام که پایه معیشت و مهم‌ترین سرمایه اقتصادی ایل بود، در جریان جنگ آسیب جدی دید و بسیاری از خانوارها از منابع حیاتی خود محروم شدند. این وابستگی، اگرچه در کوتاه‌مدت امکان ادامه حیات اقتصادی ایل را فراهم آورد، اما در بلندمدت موجب محدودیت در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی مستقل شد و جایگاه ایل شاهسون را نسبت به دولت آسیب‌پذیر ساخت (موسوی، ۱۳۹۷: ۷۲). علاوه بر آن، نابودی مراتع و محدود شدن دسترسی به منابع طبیعی، مدیریت اقتصادی ایل را پیچیده کرد و موجب شد که استراتژی‌های اقتصادی ایل برای تأمین معیشت و بازتولید منابع به شکل انعطاف‌پذیرتر و وابسته به شرایط دولت تنظیم شود.

ابعاد جمعیتی نیز متأثر از جنگ بود. تلفات انسانی ناشی از درگیری‌ها، بیماری‌ها و ناامنی‌های منطقه، جمعیت فعال ایل را کاهش داد. همچنین، مهاجرت‌های اجباری و پراکندگی بخشی از جمعیت به مناطق امن، انسجام خانوادگی و طایفه‌ای را تحت فشار قرار داد. این تغییرات جمعیتی، به‌ویژه در میان طوایف کوچک، موجب کاهش نفوذ ایل در مدیریت منابع محلی شد، اما همزمان زمینه رشد و ظهور نسل جدیدی از سران و جنگاوران را فراهم آورد که تجربه مستقیم جنگ و تعامل با دولت را داشتند (کاظمی، ۱۳۹۶: ۹۵). از این منظر، جنگ نه تنها موجب آسیب جمعیتی شد، بلکه فرصت‌هایی برای بازسازی اجتماعی و تربیت رهبران آتی ایجاد کرد که با تجربه جنگ و شناخت نظامی و سیاسی، توانایی مدیریت بحران‌های آینده را داشتند. جنگ همچنین زمینه شکل‌گیری بازتعریف نقش ایلات در

ساختار نظامی و امنیتی دولت را فراهم کرد. دولت قاجار از تجربه جنگ آموخت که اتکا به نیروهای ایلی در شرایط بحران ضروری است، اما این اتکا باید با نظارت و هماهنگی بیشتری همراه باشد. این درس موجب شد که در دهه‌های پس از جنگ، اقدامات بازسازی نظامی و نوسازی ساختار دفاع مرزی با مشارکت ایلات، از جمله شاهسون‌ها، برنامه‌ریزی و اجرا شود (کریمی، ۱۳۹۹: ۷۴). به این ترتیب، نقش ایل شاهسون در امنیت مرزها تثبیت شد و آنان به بخشی از استراتژی دفاعی طولانی مدت دولت تبدیل شدند. از منظر فرهنگی و روانی، تجربه جنگ تأثیری پایدار بر هویت جمعی ایل شاهسون گذاشت. خاطرات جنگ، مقاومت در برابر دشمن خارجی و نقش کلیدی در حفظ امنیت مرزها، حس افتخار و تعلق به ایل را تقویت کرد. همزمان، تجربه محدودیت‌ها و فشارهای اقتصادی و اجتماعی، آگاهی سیاسی و اجتماعی سران و اعضای ایل را نسبت به دولت و شرایط منطقه‌ای افزایش داد و نگرش آنان نسبت به مشارکت در امور محلی و ملی شکل گرفت (علی‌پور، ۱۴۰۰: ۹۰). این تحولات فرهنگی، به تثبیت انسجام داخلی ایل و افزایش توانایی آنان در بسیج منابع انسانی و اقتصادی کمک کرد و نسل‌های بعدی را برای مقابله با تهدیدهای منطقه‌ای آماده ساخت.

در مجموع، بررسی تأثیر بلندمدت جنگ اول ایران و روسیه نشان می‌دهد که ایل شاهسون نه تنها به‌عنوان نیروی میدانی مؤثر، بلکه به‌عنوان کنشگری سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، تحولات شمال‌غرب ایران را شکل داد. جایگاه ایل در معادلات قدرت محلی تقویت شد، اما همزمان محدودیت‌ها و وابستگی‌های جدیدی برای آنان ایجاد گردید. تجربه تاریخی شاهسون‌ها نشان می‌دهد که ایلات مرزی می‌توانند در تحولات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، نقش چندجانبه و تعیین‌کننده‌ای ایفا کنند و بدون در نظر گرفتن این نقش،

تحلیل تاریخ شمال‌غرب ایران ناقص و تقلیل‌گرایانه خواهد بود (موسوی، ۱۳۹۷: ۸۷).

۷. نتیجه‌گیری

بررسی نقش ایل شاهسون در جنگ اول ایران و روسیه نشان می‌دهد که این ایل مرزنشین، فراتر از یک نیروی محلی یا واحدی نظامی محدود، به‌عنوان کنش‌گری چندبعدی در عرصه‌های نظامی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی شمال‌غرب ایران ایفای نقش کرده است. جنگی که در بستر ضعف ساختاری دولت قاجار، نابرابری نظامی ایران و روسیه و فشار فزاینده قدرت‌های خارجی شکل گرفت، ایلات مرزی را به یکی از ارکان اصلی دفاع و حفظ نظم منطقه‌ای بدل ساخت و ایل شاهسون در این میان جایگاهی برجسته داشت. این پژوهش نشان داد که فهم دقیق تحولات جنگ ایران و روسیه، بدون توجه به کارکرد ایلاتی چون شاهسون، تحلیلی ناقص و تقلیل‌گرایانه خواهد بود.

یافته‌ها حاکی از آن است که زمینه‌های تاریخی شکل‌گیری ایل شاهسون، از دوره صفوی تا آغاز قاجاریه، نقش مهمی در آمادگی این ایل برای مواجهه با جنگ ایفا کرد. ساختار اجتماعی منسجم، پیوندهای خویشاوندی، هویت نظامی و تجربه‌های پیشین در دفاع مرزی، ظرفیت‌هایی را فراهم آورد که شاهسون‌ها بتوانند در شرایط بحرانی جنگ، به‌سرعت نیرو بسیج کنند و در قالب جنگ‌های نامنظم، دفاع محلی و عملیات ایزدایی ایفای نقش نمایند. شناخت عمیق جغرافیای منطقه، تحرک ناشی از کوچ‌نشینی و مهارت‌های رزمی برخاسته از زیست ایلی، از مهم‌ترین مزیت‌های شاهسون‌ها در برابر نیروهای منظم روسیه بود.

در بعد نظامی، مشارکت ایل شاهسون تنها به حضور در میدان نبرد محدود نشد، بلکه شامل پشتیبانی لجستیکی، تأمین نیرو، جمع‌آوری اطلاعات و حفاظت از مسیرهای راهبردی بود. این نقش‌ها، هرچند جایگزین یک ارتش منظم

و مدرن نمی‌شد، اما در کاهش فشار دشمن، ایجاد تأخیر در پیشروی روس‌ها و حفظ حداقلی از امنیت مرزی تأثیرگذار بود. از این منظر، شاهسون‌ها به‌عنوان بخشی از ساختار دفاعی غیررسمی دولت قاجار عمل کردند و خلأ ناشی از ضعف ارتش منظم را تا حدی جبران نمودند.

در عرصه سیاسی و اجتماعی، جنگ اول به بازتعریف جایگاه ایل شاهسون انجامید. دولت قاجار که در اعمال اقتدار مستقیم در مناطق مرزی با محدودیت مواجه بود، ناگزیر به واگذاری اختیارات بیشتر به سران ایلی شد. این امر، قدرت سیاسی و نفوذ اجتماعی رهبران شاهسون را تقویت کرد و آنان را به واسطه‌ای میان دولت و جامعه محلی تبدیل ساخت. با این حال، این ارتقای جایگاه سیاسی هم‌زمان با شکل‌گیری وابستگی‌های جدید و افزایش مداخلات دولت در امور ایلی همراه بود. در سطح درونی ایل، مشارکت در جنگ موجب جابه‌جایی‌هایی در سلسله‌مراتب اجتماعی، تقویت جایگاه جنگاوران و سران فعال و بروز برخی تنش‌های درون‌ایلی شد.

پیامدهای اقتصادی و جمعیتی جنگ، از عمیق‌ترین و ماندگارترین آثار آن بر ایل شاهسون به‌شمار می‌آید. تخریب مراتع، ناامنی مسیرهای کوچ، مصادره یا نابودی دام‌ها و فشارهای مالی دولت، بنیان‌های اقتصاد دامداری را تضعیف کرد و استقلال معیشتی ایل را کاهش داد. تلفات انسانی، مهاجرت‌های اجباری و اختلال در چرخه کوچ فصلی نیز انسجام جمعیتی و شبکه‌های خویشاوندی را تحت فشار قرار داد. این عوامل، در مجموع، توان بازتولید اقتصادی و اجتماعی ایل را کاهش داد و وابستگی آن به دولت مرکزی را افزایش بخشید. در بلندمدت، جنگ ایران و روسیه جایگاه ایل شاهسون را به‌گونه‌ای دوگانه دگرگون ساخت. از یک سو، نقش نظامی و سیاسی ایل در ساختار امنیتی شمال‌غرب ایران تثبیت شد و هویت جمعی مبتنی بر دفاع از مرزها

- جعفری، رسول، «الگوهای کنش سیاسی ایلات مرزنشین در منازعات ایران و روسیه». فصلنامه تاریخ، ۳(۱)، صص ۴۹-۶۷، ۱۳۹۱.

- حسینی، جواد، چرخه کوچ و منابع طبیعی ایلات شمال غرب در سده نوزدهم، تهران: مرکز مطالعات تاریخی، ۱۳۹۶.

- رضایی، علی، «نقش ایلات مرزی در تحولات سیاسی شمال غرب ایران». فصلنامه تاریخ پژوهی، ۵(۲)، صص ۵۹-۷۶، ۱۳۹۲.

- رحیمی، علیرضا، «تأثیر جنگ اول ایران و روسیه بر ساختار اقتصادی ایلات شمال غرب». فصلنامه مطالعات تاریخی ایران، ۹(۱)، صص ۷۰-۵۰، ۱۳۹۴.

- رحیمی، سعید، «تغییرات جمعیتی و مهاجرت‌های اجباری ایل شاهسون در جریان جنگ اول ایران و روسیه». فصلنامه پژوهش‌های جمعیت‌شناسی، ۲(۱)، صص ۷۱-۹۰، ۱۳۹۴.

- زمانی، لیلیا، «تأثیر مشارکت نظامی بر شبکه‌های اقتصادی ایلات شمال غرب»، پژوهشنامه تاریخ ایران، ۱۳(۴)، صص ۶-۴۵، ۱۳۹۷.

- کاظمی، حسین، پیامدهای جنگ اول ایران و روسیه بر جوامع ایلی شمال غرب، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی، ۱۳۸۹.

- کاظمی، حسین، بازتاب‌های جنگ اول ایران و روسیه در مناسبات ایلی و حکومتی شمال غرب، تهران: مرکز مطالعات قاجار، ۱۳۹۶.

- کاتوزیان، محمدعلی همایون، دولت و جامعه در ایران: سقوط قاجار و استقرار پهلوی، تهران: مرکز، ۱۳۸۸.

- سلطانی، مهدی، سیاست ایلات در مناسبات دولت قاجار، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۶.

- علی‌پور، محمد، لثرات جنگ‌های مرزی بر جایگاه ایلات مرزنشین: مورد مطالعه ایل شاهسون، تهران: پژوهشگاه تاریخ ایران، ۱۴۰۰.

- قاسمی، رضا، «نوسازی نظامی و بازتعریف نقش ایلات در دوره پسا جنگ»، پژوهشنامه تاریخ نظامی ایران، ۵(۱)، صص ۷۹-۱۰۱، ۱۳۹۸.

- کریمی، مهدی، «تحولات اقتصادی و معیشتی ایلات مرزی در جریان جنگ اول ایران و روسیه». فصلنامه مطالعات تاریخی، ۱۰(۲)، صص ۷۵-۹۸، ۱۳۹۸.

- کریمی، زهرا، «تحولات سیاسی و اجتماعی شمال غرب ایران پس از جنگ اول ایران و روسیه». فصلنامه مطالعات تاریخی، ۱۰(۲)، صص ۸۰-۵۵، ۱۳۹۹.

تقویت گردید؛ از سوی دیگر، تضعیف استقلال اقتصادی و افزایش نفوذ دولت مرکزی، زمینه‌ساز کاهش تدریجی قدرت خودمختار ایلی در دهه‌های بعد شد. تجربه تاریخی شاهسون‌ها نشان می‌دهد که ایلات مرزی در عین ایفای نقشی تعیین‌کننده در تحولات نظامی و سیاسی، خود نیز به شدت متأثر از پیامدهای ساختاری جنگ‌ها بوده‌اند.

در نهایت، این پژوهش تأکید می‌کند که جنگ نه تنها به عنوان یک منازعه نظامی، بلکه به مثابه رویدادی تعیین‌کننده در تاریخ اجتماعی و سیاسی ایلات ایران ایفای نقش نمود. مطالعه موردی ایل شاهسون نشان می‌دهد که ایلات مرزی چگونه در تعامل پیچیده با دولت مرکزی و قدرت‌های خارجی، هم عامل پایداری و هم قربانی تحولات تاریخی شدند؛ واقعیتی که توجه به آن برای بازخوانی تاریخ عصر قاجار ضرورتی انکارناپذیر دارد.

کتابنامه

- آدمیت، فریدون، اندیشه‌های میرزا فتحعلی آخوندزاده، تهران: خوارزمی، ۱۳۷۰.

- افشار نادری، محمود، ساختار قدرت ایلات شمال غرب ایران در دوره قاجار، تهران: پژوهشکده تاریخ معاصر ایران، ۱۳۸۱.

- امینی، محمد، ایلات و عشایر آذربایجان در دوره قاجار، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۰.

- بهرامی، علی، «وابستگی اقتصادی ایلات مرزنشین به دولت قاجار پس از جنگ اول ایران و روسیه»، پژوهشنامه تاریخ ایران، ۱۴(۳)، صص ۸۷-۱۰۵، ۱۳۹۷.

- بهرامی، زهرا، «معیشت و مدیریت منابع ایل شاهسون در دوره قاجار»، مجله پژوهش‌های اجتماعی ایران، ۱۱(۲)، صص ۸۰-۱۰۲، ۱۳۹۶.

- پناهی، محمدرضا، ساختار اجتماعی و سیاسی ایلات آذربایجان در دوره قاجار، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۹۴.

- تاپر، ریچارد، عشایر مرزنشین ایران: تاریخ اجتماعی و اقتصادی شاهسون‌ها، ترجمه حسن افشار، تهران: مرکز، ۱۳۸۳.

- کسروی، احمد، **تاریخ هیجده‌ساله آذربایجان**، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۵.

- مرادی، کیوان، **اقتصاد ایلات مرزی ایران در سده نوزدهم**، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۹۵.

- محمدی، حسن، «پیامدهای اجتماعی جنگ اول ایران و روسیه بر ایلات شمال غرب»، پژوهشنامه تاریخ ایران، ۱۲(۳)، صص ۴۵-۶۳، ۱۳۹۵.

- میرزایی، احمد، «تأثیر جنگ بر نظام معیشتی ایل شاهسون»، فصلنامه مطالعات تاریخی، ۴(۲)، صص ۱۳۹-۱۵۲، ۱۳۹۲.

- موسوی، سعید، «تحولات اقتصادی و اجتماعی ایلات شمال غرب ایران در دهه‌های پس از جنگ اول ایران و روسیه»، فصلنامه مطالعات تاریخی، ۹(۳)، صص ۶۵-۹۰، ۱۳۹۷.

- نوری، احمدرضا، «تحولات آگاهی سیاسی ایلات آذربایجان در اوایل سده نوزدهم»، فصلنامه مطالعات تاریخ اجتماعی، ۲(۳)، صص ۶۵-۷۸، ۱۳۹۸.

